

سراپا جوش و خروش بود...

شهید عراقی به روایت شهید آیت الله دکتر بهشتی



از چه سالی و از کجا با شهید عراقی آشنا شدید؟
آشنایی نزدیک من با ایشان، در سال ۱۳۴۲ در جلسات بحث‌های اسلامی بود که در تهران داشتم و بعد از آن در فعالیت‌های مبارزاتی که با مرحوم شهید عراقی و مرحوم شهید امانی و برادران دیگرمان در خط امام داشتیم.

آشنایی شما با شهید چه برنامه‌هایی را پیش آورد و حاصلش چه بود؟

با شروع نهضت اسلامی، به رهبری امام خمینی، نیروهای مومن و مسلمانی که در خط اصیل اسلام و معتقد به مرجعیت بودند، از دل هیئت‌های مذهبی و دستجات سینه‌زنی و سوگواری و هیئت‌هایی که جلسات هفتگی مذهبی داشتند، به سوی مبارزه فعال جلب شدند. این هیئت‌ها با هم رابطه برقرار کردند و یک شبکه فعالیت مبارزاتی اسلامی و نیرومند را علیه رژیم شاه به وجود آوردند. اینها درصدد متشکل شدن بودند و شورایی مرکزی را به وجود آوردند که مرکب از ۱۲ نفر و به نام هیئت‌های مؤتلفه بود. هیئت‌های مؤتلفه عملاً مانند یک سازمان نیرومند و حزب قوی اسلامی کار می‌کرد و شورای مرکزی، رهبری این سازمان نیرومند را برعهده داشت و دقیقاً رهبری آن شورایی بود. از آنجا که این شورا معتقد به رهبری فقیه واجد شرایط بود و ایسن ولایت و رهبری را در امام خمینی یافته بود، چهار تن را به ایشان پیشنهاد کرد تا مسئول بخش فقهانی شورای مرکزی باشند. این افراد عبارت بودند از بنده، مرحوم مطهری، آقای انواری و آقای مولایی و به این ترتیب، یک نوع هم‌رزمی تشکیلاتی میان ما و این برادران به وجود آمد.

نحوه کار شورای فقهانی چگونه بود؟

قرار شد اعضای این شورا در جلسات شورای مرکزی شرکت کنند و یاد هر مودی که ممکن نیست، مصوبات این شورا را برای تصویب به این شورای فقهانی بدهند و این شورای فقهانی روی آن مصوبات نظر بدهد، برحسب شرایط روز و بر حسب امکانات، عمل کند؛ چون به‌ر حال این یک تشکیلات مخفی بود و در خفقان حاکم بر ایران، گاهی امکان نداشت همه در یک جا جمع بشویم. این آشنایی‌ها در حقیقت در ضمن مبارزه علیه شاه به وجود آمد و همکاری سازمان‌یافته‌ای را در پی داشت.

شخصیت شهید عراقی را چگونه دیدید؟
مرحوم عراقی در همان نخستین برخورد، نظر انسان را به خودش جلب می‌کرد. مردی بود شجاع و دلیر، صریح‌اللهجه، مصمم، پر حرکت و پرجوش و خروش.

با چه کسانی همکاری نزدیک داشت؟

ایشان در گروه خودشان با شهید حاج صادق امانی و شهید مطهری همکاری داشت و شاخه نظامی جمعیت هیئت‌های مؤتلفه با رهبری اینها شکل گرفت. علاوه بر این شهید عراقی با سایر اعضای شورای مرکزی هیئت‌های مؤتلفه هم همکاری داشت و برادرانی چون آقای حبیب‌الله عسکراولادی، آقای اسدالله لاجوردی، آقای حاج صادق امانی و سایر اعضای که در شورای مرکزی شرکت و فعالیت داشتند، دوستان و هم‌زمان یکدیگر بودند.

چه یاد و خاطره‌ای از ایشان دارید؟

می‌دانید که مرحوم شهید عراقی سال‌ها و بیش از سیزده سال در زندان بودند. در اواخر دوره سیاه رژیم شاه بود که مرحوم شهید عراقی همراه با عده‌ای از زندان آزاد شدند و من برای دیدار این برادر رزمنده و از بند شاه رسته، به منزلش رفتم تا از او دیدن کنم. شهید عراقی هرچند ریش سفید و سالخورده شده بود، اما همان چهره شاداب و خندان سال‌های ۴۳، سال‌هایی که در تهران او را در جمع مبارزان پرتوان می‌دیدم، داشت. این از خصوصیات شهید عراقی بود که همواره با قیافه‌ای مصمم و مردانه و پایی خندان و چهره‌ای شاداب دیده می‌شد، گوئی همواره بر مرگ سرخ پرافتخار

دعوت شد تا عضو شورای مرکزی موقت حزب باشد و طبیعی است که ایشان هم با علاقه این مسئولیت را پذیرفت و تا لحظه شهادت، یار و همکاری عزیز برای حزب جمهوری اسلامی و عضو سودمندی در شورای مرکزی موقت حزب بود.

ارتباط ایشان با امام از کجا و چگونه بود؟

شهید عراقی و عده‌ای از برادران از آغاز نوجوانی در خط انقلابی، اسلامی فدائیان اسلام، به رهبری شهید پر ارج عالم اسلام، مرحوم سید مجتبی نواب صفوی، به مبارزه‌ای خونین دست زده بودند. ایشان و عده‌ای از برادران دیگر عملاً از اعضای جانباز فدائیان اسلام بودند که پس از شهادت مرحوم نواب صفوی و شهدای دیگر فدائیان اسلام همان خط فکری را دنبال کردند. فدائیان اسلام از همان آغاز با امام در رابطه بودند، چون امام از همان موقع، خطی را که اینها در راه خدا و اسلام برگزیده بودند، تأیید می‌کردند، بنابراین، فکر می‌کنم این جوانان جانباز با ایمان از همان روزها به امام دل بسته بودند و پس از آنکه امام در سال ۴۱ رهبری مبارزات گسترده ملت ما را بر ضد رژیم شاه و امریکا و حاکمیت کفر و ظلم و فسق و فساد برعهده گرفتند، همه اینها جذب حرکت گسترده امام شدند و از عناصر اصلی فعال و کارگردانان بسیار موثر این مبارزه بودند. در آن روز تاریخی و سخنرانی هیجان‌آفرین امام و عاشق‌سورای سال ۴۲ در قم، شهید عراقی و عده‌ای از برادران، کارگردانان اجتماع عظیم و پرشکوه قم بودند و اینها بودند که آن مجلس پرشکوه را اداره کردند و سیستم صوتی جالبی را با استفاده از باطری و لوازم دیگر به وجود آورده بودند تا صدای امام در کل منطقه آن جلسه باشکوه به‌خوبی به گوش و دل همه دل‌های مشتاق برسد. شهید عراقی و یاران و دوستان هم‌رزمش به امام دل بسته بودند و با ایشان رابطه داشتند.

روزنامه جمهوری اسلامی

۱۳۵۹/۷/۴

شهید از دور لبخند می‌زد، او را با همان لبخند و با همان چهره بشاش یافتیم، البته شگفته در برابر فشارهای جهنمی رژیم شاه در دوره زندانی طولانی‌اش.

ارتباط ایشان با حزب جمهوری اسلامی چگونه بود؟

در سال‌های آخر ما مصمم بودیم همان تشکیلات و سازمان اسلامی سال‌های ۴۲ و ۴۳ را با ابعاد گسترده‌تری تجدید کنیم و شهید عراقی و دیگران نیز این اندیشه را داشتند. از وقتی که اینها از زندان آزاد شدند و به میدان فعالیت‌های سیاسی و مبارزاتی بازگشتند، ایشان و یاران دیگر پیشنهاد کردند نیروهای اصیل اسلامی و مبارز متشکل بشویم. ما هم که مقدمات این کار را

شهید عراقی از نخستین کسانی بود که دعوت شد تا عضو شورای مرکزی موقت حزب باشد و طبیعی است که ایشان هم با علاقه این مسئولیت را پذیرفت و تا لحظه شهادت، یار و همکاری عزیز برای حزب جمهوری اسلامی و عضو سودمندی در شورای مرکزی موقت حزب بود.

تا حدودی فراهم کرده بودیم، تصمیم گرفتیم که هرچه سریع‌تر با شرکت این برادران، تشکیلات سیاسی فعالی را بر اساس خط اصیل اسلام به وجود بیاوریم.

پس از آنکه هیئت موسس، موجودیت حزب جمهوری اسلامی را اعلام کرد، شهید عراقی و دیگران از نخستین ثبت‌نام‌کنندگان بودند و به‌محض اینکه ما تصمیم گرفتیم شورای مرکزی موقت حزب جمهوری اسلامی ایران را مرکب از سی عضو از گروه‌های مختلف تشکیل بدهیم، شهید عراقی از نخستین کسانی بود که